

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی الهیات - علوم قرآن و حدیث

روانشناسی شادی از منظر قرآن و روایات

استاد راهنما:

دکتر رضا شکرانی

استاد مشاور:

دکتر مهرداد کلانتری

پژوهشگر:

محمد قدیری

اسفند ماه 1388

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،  
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق  
موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه  
اصفهان است .

شبه مجازش پایان نامه  
رعایت شده است  
تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی الهیات - علوم قرآن و حدیث آقای محمد قدیری

تحت عنوان

### روانشناسی شادی از منظر قرآن و روایات

در تاریخ ۸۸/۱۲/۱۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضا

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر رضا شکرانی با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر مهرداد کلانتری با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۳- استاد داور داخل گروه دکتر محمد رضا ستوده نیا با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۴- استاد داور خارج گروه دکتر محمد باقر کجباف با مرتبه ی علمی دانشیار

امضای مدیر گروه

دکتر رضا شکرانی

## سپاس گزاری

خداوند بزرگ را سپاس گزارم که توفیق عطا نمود تا کار خویش را به سرانجام رسانم و حاصل تحقیق و پژوهش خود را به محضر اهل نظر تقدیم نمایم .

این کمترین ، خود را در مقابل همه اساتید و آموزگارانم فروتن می بیند و بدین و سیله مراتب سپاس و حق گزاری خویش را از سر صدق و اخلاص به آن فرزندان و دانشوران تقدیم می دارد ؛ لذا بر خود فرض می داند از زحمات بی شائبه استاد فرهیخته جناب آقای دکتر رضا شکرانی که با راهنمایی های دلسوزانه ی خویش بار بزرگی را در امر هدایت این پژوهش به دوش کشیدند و نیز از استاد فرزانه جناب آقای دکتر مهرداد کلانتری که با نکته سنجی های خویش ، اینجانب را در امر مشاوره یاری رساندند ، تشکر نمایم .

در اینجا شایسته است از زحمات پدر و مادر گرامی ام که با فراهم کردن امکان ادامه تحصیل مرا یاری نمودند تشکر و سپاسگذاری نمایم .

و همچنین از همکاری همسر که در ویرایش و تنظیم متن ، با نهایت صبوری ، کمک کردند قدردانی می نمایم

.

## الْإِهْدَاءِ

إِلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَإِلَى هَوْلَانَا

وَ مَوْلَى الْمُؤَخِّدِينَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِيَّاهُ بِضَعَهُ

الْمُصْطَفَى وَ بِهَجَّةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِيَّاهُ سَيِّدَتِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، السَّبْطَيْنِ ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِيَّاهُ الْإِثْمَةَ النَّسَعَةَ

الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ لَا سِيَّمَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ

وَارِثِ عُلُومِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ ، الْمَعْدَّةَ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِحَيَاءِ

الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ، الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ

تَعَالَى فَرَجَهَا الشَّرِيفَ فَيَا مُعِزَّ الْأَوْلِيَاءِ وَ يَا مُذِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ

الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ قَدْ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضَّرُّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ

جِنْنَا بِبِضَاعَةِ مُرْجَاهُ مِنْ وَلَانِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنَّكَ

وَ فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ

إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

## چکیده

شادی یکی از حالات روحی است که انسان بیشتر با آن سرو کار دارد؛ شادی و بدست آوردن آن از دیرباز مورد توجه انسان قرار گرفته است، اما روش علمی و تحقیقاتی در مورد شادی از چند دهه بیشتر نمی گذرد. روان شناسان با توجه به تحقیقاتی که انجام داده اند شادی انسان را یکی از عوامل بسیار مهم برای کارآیی بیشتر و زندگی بهتر وی دانسته اند. اما با توجه به اینکه مسلمانان عقیده دارند که دین اسلام، آخرین دین الهی است و حاوی تمامی نیاز های معنوی بشر می باشد آیا در دین اسلام به شادی اهمیتی داده شده است یا خیر؟ از طرف دیگر با یک نگاه سطحی به قرآن و برخی روایات به این نتیجه می رسیم که اسلام علاوه بر اینکه روی خوشی به آن نشان نداده در برخی موارد شادی را هم مذموم می شمارد. بر این اساس در این تحقیق طی پنج فصل به بررسی، روان شناسی شادی از منظر قرآن و روایات پرداخته شده است. در فصل اول کلیات تحقیق ارائه شده، در فصل دوم برای روشن تر شدن مفهوم شادی، مفهوم مخالف آن یعنی حزن و اندوه در قرآن و روایات به صورت گذرا مورد بحث قرار گرفته است. در فصل سوم شادی از نگاه روان شناسی بررسی شده که شامل: اثرات شادی، عوامل شادی، و آرایه ی نتایج تحقیقات صاحب نظران روان شناسی می باشد. که با توجه به اهمیت موضوع برخی از آیات و روایات در این زمینه آورده شده اند

در فصل چهارم کلید واژه های شادی در قرآن همچون فرح و سرور مورد تحقیق قرار گرفته اند و در برخی از موارد اقوال مفسران نیز آورده شد.

در فصل پنجم شادی از نگاه روایات بررسی شد. در این فصل به تناسب موضوع به بررسی عوامل شادی، انواع شادی، نتایج شادی و ... پرداخته شد.

با بررسی این موضوع در قرآن و روایات، نتایج زیر به دست می آید:

- قرآن و روایات معصومین نه تنها مخالف با شادی انسان نیست بلکه شادی را در زندگی تجویز می نماید.
- قرآن و روایات نه تنها شادی را تجویز می کند بلکه آن را هدفمند، مطابق با اهداف متعالی و کمالی انسان قرار می دهد
- قرآن و روایات با آن دسته از شادی هایی مخالف است که موجب غفلت از یاد خدا، سبکسری، تمسخر دیگران و فراموشی آخرت باشد.

## کلید واژگان:

امید، خوش بینی، رجا، سرور، شادی، فرح

## فهرست مطالب

عنوان صفحه

### فصل اول : کلیات

۱-۱- مقدمه.....	۱
۱-۲- شرح و بیان مسئله پژوهشی.....	۱۰
۱-۳- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق.....	۱۱
۱-۴- اهداف و پرسش های تحقیق.....	۱۲
۱-۵- اهمیت و ارزش تحقیق.....	۱۲
۱-۶- کاربرد نتایج تحقیق.....	۱۳
۱-۷- روش انجام تحقیق.....	۱۳

### فصل دوم : روان شناسی شادی

2-1- روان شناسی شادی.....	14
2-2- اثرات شادی در روان شناسی.....	15
2-۴- تاریخچه ی مطالعات انجام شده در مورد شادی.....	۱۶
2-۵- عوامل مؤثر بر شادی.....	۱۸
2-۵-۱- عوامل روانی شادی.....	۱۸
2-۵-۱-۱- شخصیت.....	۱۸
2-۵-۱-۲- سن.....	۳۷
2-۵-۱-۳- تفاوت های جنسیتی.....	۳۷
2-۵-۱-۳- نقش انتقال دهنده های عصبی و داروها در هیجانات مثبت.....	۳۸
2-۵-۲- عوامل جسمانی شادی.....	۳۸
2-۵-۲-۱- سلامتی.....	۳۸
2-۵-۲-۲- خوردن و آشامیدن.....	۳۹



صفحه	عنوان
۴۰	۲-۵-۳- فعالیتهای جنسی.....
۴۰	۲-۵-۳- خواب.....
۴۰	۲-۵-۲- ورزش.....
۴۱	۲-۵-۲- محیط و شادمانی.....
۴۲	۲-۵-۳- عوامل فرهنگی.....
۴۲	۲-۵-۳-۱- فرهنگ.....
۴۳	۲-۵-۳-۲- تحصیلات.....
۴۳	۲-۵-۳-۳- دغداری.....
۴۹	۲-۵-۴- عوامل اقتصادی.....
۴۹	۲-۵-۴-۱- کار و اشتغال.....
۵۴	۲-۵-۴-۲- ثروت و طبقه اجتماعی.....
۵۸	۲-۵-۵- عوامل اجتماعی.....
۵۸	۲-۵-۵-۱- روابط اجتماعی.....
۵۹	۲-۵-۵-۲- خویشاوندی.....
۵۹	۲-۵-۵-۳- دوستی.....
۶۰	۲-۵-۵-۴- آشنایی.....
۶۰	۲-۵-۵-۵- عشق و ازدواج.....
۶۴	۲-۵-۵-۶- شوخ طبعی.....
۶۵	۲-۵-۵-۷- تفریح و اوقات فراغت.....
۶۸	۲-۵-۵-۸- اوقات فراغت.....

### فصل سوم: نگاهی گذرا به حزن و اندوه در قرآن و روایات

۶۹	۳-۱- حزن.....
۷۱	۱- حزن مقدس و مطلوب.....
۷۲	۲- حزن نامقدس و مطرود.....
۷۲	۳-۲- عوامل از بین برنده غم و اندوه و رسیدن به امنیت و آرامش واقعی از منظر قرآن.....
۷۵	۳-۳- عوامل آرامش و دلگرمی.....

عنوان صفحه

۴-۳- عوامل از بین برنده غم و اندوه در روایات..... ۷۶

فصل چهارم : بررسی واژگان کلیدی شادی در قرآن

۱-۴- واژگان شادی ممدوح..... ۸۰

۱-۱-۴- واژه شناسی رضا..... ۸۰

۲-۱-۴- واژه شناسی سکن..... ۸۹

۳-۱-۴- واژه شناسی رجا..... ۹۳

۴-۱-۴- واژه شناسی حبر..... ۹۶

۵-۱-۴- واژه شناسی بهج..... ۹۷

۶-۱-۴- واژه شناسی نضر..... ۹۸

۷-۱-۴- واژه شناسی لذذ..... ۱۰۰

۲-۴- واژگاری که هم برای شادی ممدوح و هم برای شادی مذموم به کار رفته اند..... ۱۰۱

۱-۲-۴- واژه شناسی بشارت..... ۱۰۱

۲-۲-۴- واژه شناسی سرور..... ۱۰۹

۳-۲-۴- واژه شناسی ضحک..... ۱۱۱

۴-۲-۴- واژه شناسی فرح..... ۱۱۴

۵-۲-۴- واژه شناسی اطمینان..... ۱۲۹

اطمینان ممدوح..... ۱۲۹

اطمینان مذموم..... ۱۳۲

۶-۲-۴- واژه شناسی فکه..... ۱۳۳

۳-۴- واژگان شادی مذموم..... ۱۳۵

۱-۳-۴- واژه شناسی اشر..... ۱۳۵

۲-۳-۴- واژه شناسی بطر..... ۱۳۶

۳-۳-۴- واژه شناسی مرح..... ۱۳۸

فصل پنجم : شادی از منظر روایات

۵-۱- شروه شادی..... ۱۳۹

عنوان	صفحه
۵-۱-۱- اظهار شادی با لبخند.....	۱۳۹
۵-۱-۲- خوشرویی.....	۱۴۰
۵-۱-۳- سرگرمی های پسندیده.....	۱۴۲
۵-۲- حدود شادی.....	۱۴۳
۵-۳- معیار شادی بر اساس آیات و روایات.....	۱۴۳
۵-۳-۱- اطاعت خدا.....	۱۴۴
۵-۳-۲- پرهیز از گناه.....	۱۴۴
۵-۳-۳- اجتناب از مکارم اخلاقی.....	۱۴۵
۵-۳-۴- انجام اعمال صالح برای آخرت.....	۱۴۵
۵-۳-۵- اجتناب از حق بی نابودی باطل.....	۱۴۶
۵-۴- اهمیت شادی در زندگی.....	۱۴۶
۵-۴-۱- کسی که شادیش کم باشد آسایش او در مردن است.....	۱۴۶
۵-۴-۲- زاهدان هم در ظاهر شادند.....	۱۴۶
۵-۴-۳- پیامبران خدا هم شادی داشتند.....	۱۴۶
۵-۴-۴- دعا برای رفع ناراحتی و غم و اندوه.....	۱۴۷
۵-۵- اثرات شادی ممدوح.....	۱۴۷
۵-۶- عوامل شادی ممدوح.....	۱۴۸
۵-۶-۱- عوامل شادی درونی.....	۱۴۸
۵-۶-۲- عوامل شادی اخروی.....	۱۸۷
۵-۶-۳- عوامل شادی مذموم.....	۱۹۵
۵-۶-۴- نتایج شادی های مذموم.....	۲۰۱
۵-۷- جمع بندی و نتیجه گیری.....	۲۰۴
راه کار عملی.....	۲۰۷
پیوست.....	۲۰۸
پی نوشت.....	۲۲۹
منابع و مأخذ.....	۲۳۰

## فهرست جدول ها

عنوان	صفحه
جدول 1-2 تبادل اجتماعی با چهار نوع از همکاران.....	51
جدول 2-2 حالت های روحی و شادی (درصدی که خیلی راضی یا راضی هستند).....	61
جدول 2-3 حالات روحی و مرگ و میر : مردان.....	63

## فصل اول

### کلیات

#### 1-1- مقدمه

شاد بودن هنراست شاد کردن هنری والاتر  
لیک هرگز نپسندیم به خویش  
که چو یک شکلک بی جان شب و روز  
بی خبر از همه خندان باشیم  
بی غمی عیب بزرگی است که دور از ما باد

« ... اسلام مکتبی است که برخلاف مکتب های غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و معنوی و فرهنگی و ... دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار نموده است ... اینک بر ملت عظیم الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند . »

فرازی از وصیتنامه الهی سیاسی ، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، امام خمینی (ره)

« بسم الله الرحمن الرحيم »

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحًا لِدِكْرِهِ وَ سَبَبًا لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ وَ دَلِيلًا عَلَى آلَائِهِ وَ عَظَمَتِهِ «

با حمد بیکران به درگاه ایزد منان و با درود و صلوات به پیشگاه حضرت ختمی مرتبت ، محمد مصطفی

(ص) و خاندان پاک و مطهرش .

به سلام و درود به محضر رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) و شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی .

قرآن کریم این معجزه باقی پیامبر اکرم (ص) ، از همان روزهای آغاز نزولش مورد توجه و اهتمام

مسلمانان بود . وجود کتاب های فراوان تفسیر ، لغت ، علوم قرآنی و ... شاهد صدق این گفتار می باشد .

ولی متأسفانه با وجود همه تلاش ها آن طور که شایسته است ، مسلمانان حق این کتاب الهی را به جا

نیآوردند و هرچند که بزرگان دین سفارشات و توصیه های زیادی در مورد قرآن داشتند ولی عموم مسلمانان فقط

به خواندن این کتاب رو آوردند و در بسیاری از موارد پا را از این مورد فراتر نگذاشته اند .

رسول خدا (ص) درباره عظمت قرآن و لزوم تمسک به آن برای نجات از هلاکت سخنی رسا دارد که

مرحوم کلینی آن را در کافی آورده است و آن این است :

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ فِي دَارِ هُدًى وَ أَنْتُمْ عَلَى ظَهْرِ سَفَرٍ وَ السَّيْرُ بِكُمْ سَرِيعٌ وَ قَدْ رَأَيْتُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ

الْقَمَرَ يُبَيِّنَانِ كُلَّ جَدِيدٍ وَ يُفَرِّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ وَ يَأْتِيَانِ بِكُلِّ مَوْعُودٍ فَأَعِدُّوا الْجَهَّازَ لِجَعْدِ الْمَجَازِ قَالَ فَقَامَ الْمِفْدَاذُ بِنُ

الْأَسْوَدِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا دَارُ الْهُدَى قَالَ دَارُ بَلَاغٍ وَ انْقِطَاعِ فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ

بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَ مَاحِلٌ مُصَدَّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَ هُوَ الدَّلِيلُ

يَدُلُّ عَلَى خَيْرِ سَبِيلٍ وَ هُوَ كِتَابٌ فِيهِ تَفْصِيلٌ وَ بَيَانٌ وَ تَحْصِيلٌ وَ هُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ

وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ ظَاهِرُهُ أَيْقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَهُ نُجُومٌ وَ عَلَى نُجُومِهِ نُجُومٌ لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ فِيهِ مَصَابِيحُ

الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ وَ دَلِيلٌ عَلَى الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَةَ فَلْيَجُلْ جَالٍ بَصْرَهُ وَ لِيُبْلِغِ الصِّفَةَ نَظْرَهُ يَنْجُ مِنْ عَطَبٍ وَ

يَتَخَلَّصُ مِنْ نَسَبٍ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ فَعَلَيْكُمْ بِحُسْنِ التَّخَلُّصِ وَ قَلْبِهِ

التَّرْبِصِ

(کلینی ، ۱۳۸۶ ، ج ۶ ، ص ۳۸۹) .

ای مردم، شماها اکنون در خانه صلح و سازش هستید و شما در سر راهید و بشتاب شما را می برند، شما

می نگرید که شب و روز و شب و ماه و مهر تازهها را کهنه کنند و هر آینده دوری را نزدیک سازند و هر وعدهای

را بسر آرند، شما هم آماده حرکت باشید که گذرگاه شما دور است. مقداد بن اسود از جا برخاست و گفت: یا رسول الله خانه صلح و سازش چیست؟ فرمود: خانه‌ای است که بدان رسند و از آن کوچند (یعنی موقتی است و کوتاه مدت و سزاوار جلد و کوشش و جنگ و نزاع بر سر آن نیست) هر گاه آشوبها چون شب تار شما را فرا گرفت به قرآن بچسبید زیرا شفیع است که شفاعتش پذیرفته است و گزارش بدی‌ها را می‌دهد و گفته او تصدیق می‌شود، هر که قرآن را رهبر خود سازد او را به بهشت کشاند و هر که آن را پشت سر خود نهد او را به دوزخ راند، همان قرآن رهنا است که به بهترین راهی رهنماید و آن کتابی است که در آن است تفصیل و بیان و تحصیل مقاصد، آن است جداکننده حق و باطل و رافع هر گونه اختلاف، شوخی و سرسری نیست، ظاهری دارد و باطنی دارد، ظاهرش حکم و دستور است و باطنش علم و دانش، ظاهرش خرم و زیبا است و باطنش ژرف و نارسا، اختراعی دارد و اختراش هم اختراعی دارند (قسمت‌هایی دارد و هر قسمتش هم قسمت‌هایی دارد) شگفتی‌هایش شماره نشوند و تازه‌هایش کهنه نگردند، در آن است چراغ‌های هدایت و فروزانگاه حکمت و دلیل بر معرفت، برای کسی که راه آن را بداند باید هر پیگردی دیده‌های خود را به همه سوی آن بچرخاند و نظر تأمل را تا درک صفت آن برساند، نجات بخشد هر که در معرض هلاک است و رها سازد هر که دچار چنگال است، پس به راستی اندیشه است که زنده می‌کند دل بینا را چونان که روشنی جو در تاریکی‌ها به وسیله نور راه می‌رود بر شما باد که خوش برآئید و کم بیائید و کم انتظار برید .

امیر المؤمنین (ع) در مورد قرآن می‌فرماید :

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تُطْفَأُ مَصَابِيحُهُ - وَ سِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوَقُّدُهُ وَ بَحْرًا لَا يَدْرِكُ قَعْرُهُ - وَ مِنْهَا جَا لَا يُضِلُّ نَهْجُهُ وَ شُعَاعًا لَا يُظْلِمُ ضَوْؤُهُ - وَ فُرْقَانًا لَا يُخَمِّدُ بُرْهَانَهُ وَ بَيِّنَاتٍ لَا تُهْدَمُ أَرْكَانُهُ - وَ شِفَاءً لَا تُخْشَى أَسْفَامُهُ - وَ عِزًّا لَا تُهْزَمُ أَنْصَارُهُ وَ حَقًّا لَا تُخَدَّلُ أَعْوَانُهُ - فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَ بُحْبُوحَةُ وَ يَنْبِيعُ الْعِلْمِ وَ بُحُورَةُ - وَ رِيَاضُ الْعَدْلِ وَ عُدْرَانُهُ وَ آثَافِي الْإِسْلَامِ وَ بُنْيَانُهُ - وَ أَوْدِيَةُ الْحَقِّ وَ غِيْطَانُهُ وَ بَحْرٌ لَا يَنْزِفُهُ الْمُسْتَنْزِفُونَ - وَ عُيُونٌ لَا يُنْضِبُهَا الْمَاتِحُونَ - وَ مَنَاهِلٌ لَا يَغِيضُهَا الْوَارِدُونَ - وَ مَنَازِلٌ لَا يُضِلُّ نَهْجَهَا الْمُسَافِرُونَ - وَ أَعْلَامٌ لَا يَعْمَى عَنْهَا السَّائِرُونَ - وَ آكَامٌ لَا يَجُورُ عَنْهَا الْقَاصِدُونَ جَعَلَهُ اللَّهُ رِيًّا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ وَ رَبِيعًا لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ - وَ مَحَاجِّ لَطُرُقِ الصُّلَحَاءِ وَ دَوَاءً لَيْسَ بَعْدَهُ دَاءٌ - وَ نُورًا لَيْسَ مَعَهُ ظُلْمَةٌ وَ حَبْلًا وَثِيقًا عُرْوَتُهُ - وَ مَعْقَلًا مَنِيعًا ذِرْوَتُهُ وَ عِزًّا لِمَنْ تَوَكَّلَهُ - وَ سِلْمًا لِمَنْ دَخَلَهُ وَ هُدًى لِمَنْ اتَّكَمَ بِهِ - وَ عُدْرًا لِمَنْ انْتَحَلَهُ وَ بُرْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ - وَ شَاهِدًا لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ وَ فُلْجًا لِمَنْ حَاجَّ بِهِ - وَ حَامِلًا لِمَنْ حَمَلَهُ وَ مَطِيَّةً لِمَنْ أَعْمَلَهُ - وَ آيَةً لِمَنْ تَوَسَّمَّ وَ جَنَّةً لِمَنْ اسْتَلَّامَ - وَ عِلْمًا لِمَنْ وَعَى وَ حَدِيثًا لِمَنْ رَوَى وَ حُكْمًا لِمَنْ فَضَى .

ارزش‌ها و ویژگی‌های قرآن

سپس قرآن را بر او نازل فرمود: قرآن نوری است که خاموشی ندارد، چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد، دریایی است که ژرفای آن درک نشود، راهی است که رونده آن گمراه نگردد، شعله‌ای است که نور آن تاریک نشود، جداکننده حق و باطلی است که درخشش برهانش خاموش نگردد، بنایی است که ستون‌های آن خراب نشود، شفا دهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت‌انگیز را بزدايد، قدرتی است که یاورانش شکست ندارند، و حقی است که یاری کنندگانش مغلوب نشوند. قرآن، معدن ایمان و اصل آن است، چشمه‌های دانش و دریا‌های علوم است، سرچشمه عدالت، و نهر جاری دل است، پایه‌های اسلام و ستون‌های محکم آن است، نهرهای جاری زلال حقیقت، و سرزمین‌های آن است. دریایی است که تشنگان آن، آبش را تمام نتوانند کشید، و چشمه‌ای است که آبش کمی ندارد، محل برداشت آبی است که هرچه از آن بگیرند کاهش نمی‌یابد، منزلی است که مسافران راه آن را فراموش نخواهند کرد، و نشانه‌هایی است که روندگان از آن غفلت نمی‌کنند، کوهسار زیبایی است که از آن نمی‌گذرند. خدا قرآن را فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان، و باران بهاری برای قلب فقیهان، و راه گسترده و وسیع برای صالحان قرار داده است. قرآن دارویی است که با آن بیماری وجود ندارد، نوری است که با آن تاریکی یافت نمی‌شود، ریسمانی است که رشته‌های آن محکم، پناهگاهی است که قلّه آن بلند، و توان و قدرتی است برای آن که قرآن را برگزیند، محل امنی است برای هر کس که وارد آن شود، راهنمایی است تا از او پیروی کند، وسیله انجام وظیفه است برای آن که قرآن را راه و رسم خود قرار دهد، برهانی است بر آن کس که با آن سخن بگوید، عامل پیروزی است برای آن کس که با آن استدلال کند، نجات دهنده است برای آن کس که حافظ آن باشد و به آن عمل کند، و راهبر آن که آن را به کار گیرد، و نشانه هدایت است برای آن کس که در او بنگرد، سپر نگهدارنده است برای آن کس که با آن خود را پوشاند، و دانش کسی است که آن را به خاطر بسپارد، و حدیث کسی است که از آن روایت کند، و فرمان کسی است که با آن قضاوت کند (سید رضی، ۱۳۸۳، ص ۴۱۹).

و در جای دیگر می‌فرمایند: ذلک القرآن فاستنطقوه و لن ینطق و لکن اخبرکم عنه الا ان فیہ علم ما یأتی و الحدیث عن الماضی و دواء دائکم و نظم ما بینکم .

و آن، نور قرآن کریم است. از قرآن بخواهید تا سخن گوید، که هرگز سخن نمی‌گوید، اما من شما را از معارف آن خبر می‌دهم، بدانید که در قرآن علم آینده، و حدیث روزگاران گذشته است، شفا دهنده دردهای شما، و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی شما است (سید رضی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۶).

اما وظیفه ما در قبال سفارشات مکرر پیامبر اکرم (ص) و ائمه در مورد قرآن چیست؟



به نظر می رسد اولین وظیفه ای که یک مسلمان در قبال قرآن دارد ، شناخت و فهم آن می باشد . زیرا قرآن یک کتاب معمولی نیست که فقط به خواندن آن بسنده نمود ، بلکه کتابی است که از طرف خالق انسان برای او فرستاده شده است و تمامی نیاز هایی که یک انسان برای رسیدن به خیر و سعادت و کمال نیاز دارد . از جمله مسائل تربیتی ، نظام اجتماعی ، نظام خانواده و ... در آن آمده است همان طور که در سوره نساء به آن اشاره دارد :

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ، و اگر فضل خدا و رحمت او بر تو نبود، طایفه ای از ایشان آهنگ آن داشتند که تو را از راه به در کنند، و [لی] جز خودشان [کسی] را گمراه نمی سازند، و هیچ گونه زبانی به تو نمی رسانند. و خدا کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی دانستی به تو آموخت، و تفضل خدا بر تو همواره بزرگ بود (نساء : ۱۱۳) .

و از طرفی اولاً : همان طور که خداوند متعال در سوره اسراء می فرماید : قُلْ لَئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ، بگو: «اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند.» (اسراء: ۸۸) .

قرآن تنها کتابی است که فرصت طلبان تاریخ نتوانسته اند دست در آن برند و در آن تحریف ایجاد کنند . ثانیاً بر طبق آیه شریفه سوره روم / ۳۰ قرآن مطابق با فطرت اصیل انسان و هماهنگ با طبیعت اولیه بشر است و تمامی قوانین و مقرراتی که در این کتاب آمده است ، نشان دهنده این هماهنگی و همگامی با فطرت انسان است .

اما از آنجایی که آیات قرآن در بسیاری از مواقع حکم کلی یک مسأله را بیان می کند و جزئیات آن مورد نیاز می باشد باید از یک منبع دیگر نیز در شناخت قرآن استفاده نموده ، بنابراین آنچه خود قرآن فرموده است : بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ، [زیرا آنان را] با دلایل آشکار و نوشته ها [فرستادیم]، و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی، و امید که آنان بیندیشند (نحل : ۴۴) .

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ، قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند (احزاب: ۲۱).

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا ، و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده اش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هر کس خدا و فرستاده اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است (احزاب: ۳۶).

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ، اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند (جمعه: ۲).

مَا ضَلَّ صَاحِبِكُمْ وَمَا غَوَى ، وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى ، عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى ، [که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده ، و از سر هوس سخن نمی گوید ، این سخن بجز وحیی که وحی می شود نیست ، آن را [فرشته] شدید القوی به او فرا آموخت (نجم: ۲-۵).

وظیفه تبیین و بیان جزئیات مسائل قرآن برعهده رسول خدا (ص) می باشد و همان طوری که خود رسول خدا (ص) هم می فرماید :

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ (مجلسی ، ۱۴۰۴ق، ج ۲ ، ص ۹۹)

بعد از رسول خدا (ص) این وظیفه بر عهده جانشینان آن حضرت قرار داده شد . علامه طباطبائی در این

زمینه می نویسد : قرآن به بیان و تفسیر پیغمبر اکرم (ص) و پیغمبر اکرم (ص) به بیان و تفسیر اهل بیت خود

حجیت می دهند (معارف ، ۱۳۸۱، ص ۳۳ ، به نقل از طباطبائی ، قرآن در اسلام ، ۱۳۵۳، ص ۵۳).

انسان در طول تاریخ زندگی خود همواره درگیر مشکلات و سختی های زندگی بوده است و از دیرباز

هیچ گاه نبوده که به راحتی زندگی نماید در گذشته غم و ناراحتی انسان بیشتر بر سر نیاز های اولیه از جمله آب و

غذا و محل سکونت و ... بوده است . همین امر سبب جنگ های سخت و طولانی می شد که طمع کاری و زیاده

خواهی رؤسای کشورها نیز بر آن می افزود ، اما با اتفاق افتادن انقلاب صنعتی ، روش و شیوه زندگی انسان به

کلی دگرگون شد و مخصوصاً از قرن بیستم به بعد هر روز شاهد نوآوری ، اختراع و اکتشاف مسائل علمی جدید

هستیم ، اما در عین حال این پیشرفت مادی و صنعتی نه تنها موجب آرامش و احساس امنیت انسان نشد ، بلکه به گونه ای که محققان ابراز کرده اند سبب اضطراب ، افسردگی ، تشویش و ... نیز شده است به طوری که از افسردگی به عنوان سرماخوردگی روانی قرن نام برده می شود . انسان قرن ۲۱ بیش از هر زمان دیگری نیاز به امنیت ، آرامش و شادی دارد . زیرا که ناکامی و شکست در رقابت علمی و مسائل مادی زندگی امروز جزء جدایی ناپذیر زندگی شده است .

از طرفی به دست آوردن شادی هم از دیر باز مورد توجه قرار گرفته است ؛ به طوری که از آثار پیشینیان مثل ارسطو و افلاطون به دست می آید ، آنان صحبت هایی راجع به این مقوله داشته اند ، اما عملاً روش علمی برای شناسایی و عوامل دخیل در شادی به اوایل قرن بیستم برمی گردد ، هر چند که این پژوهش ها هنوز ابتدای راه است و کتاب های علمی - تحقیقی برخلاف کتاب های تجاری - بازاری بسیار کم می باشد ، اما در عین حال نشان دهنده اهمیت موضوع شادی در زندگی انسان می باشد .

با توجه به نیاز انسان به شادی و اهمیت آن در زندگی ، و اعتقاد ما به دین مبین اسلام مبنی بر اینکه این دین الهی از هیچ یک از نیاز های انسان که منجر به تکامل واقعی او می شود فروگذاری نکرده است و از طرفی با یک نگاه اجمالی به آیات و روایات به این نتیجه می رسیم که در برخی موارد شادی تجویز شده و در برخی موارد روی خوشی به آن نشان داده نشده یا تفسیح شده است چنانکه خداوند متعال در سوره مبارکه بلد می فرماید :

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ، براستی که انسان را در رنج آفریده ایم (بلد : ۴) .

علامه طبرسی در تفسیر این آیه می نویسد : ابن عباس و سعید بن جبیر و حسن گویند: یعنی در تعب و سختی و رنج، گوید: متحمل میشود مصیبت های دنیا و سختی های آخرت را، و گفت فرزند آدم همواره متحمل سختی و ناراحتی میشود تا از دنیا بیرون رود . و بعضی گفته اند: یعنی انسانی را ایجاد کردیم در سختی از حمل و زائیده شدن و شیر خوارگی و جدا شدن از شیر و معیشت و زندگی او و مرگ او آن گاه خداوند سبحان ایجاد نکرده که متحمل شدائد شود باندازه ای که آدمی زاده متحمل میشود و حال آنکه او با این عمل ناتوان ترین خلق خداست (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۴۸) .

یا در سوره مبارکه نجم می فرماید : وَ تَضْحَكُونَ وَ لَّا تَبْكُونَ (نجم: ۶۰) .

یا به خاطر انجام عزاداری های منسجم و سازمان یافته و پوشیدن لباس مشکی در ایام محرم و صفر و برداشت یک سویه از برخی آیات و روایات این دیدگاه تقویت می شود که اسلام ، دین حزن و اندوه است . اما در مقابل اینگونه آیات ، در سوره مبارکه بقره ، طلاق و شرح می فرماید :

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ  
وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا  
اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (بقره: ۱۸۵) .

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَن قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ  
بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (طلاق: ۷) .

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (انشراح: ۵ و ۶) .

یا امام سجاد (ع) با آن شدت مصائبی که در واقعه کربلا دید ، و آن همه خفقانی که از طرف حکومت  
بنی امیه به ایشان می رسید ، که طبیعتاً باید محزون باشند ، اما این بعد عاطفی انسان را فراموش نکردند و در رساله  
حقوق خودشان بابی به عنوان ، حق خوشحال کننده قرار دادند .

و اما حق من سرک الله به و علی یدیه فإن کان تعمدها لک حمدت الله أولاً ثم شکرته علی ذلك بقدره  
فی موضع الجزاء و کافأته علی فضل الابتداء و أُرصدت له المكافأة و إن لم یکن تعمدها حمدت الله و شکرته و  
علمت أنه منه توحّدک بها و أحببت هذا إذ کان سبباً من أسباب نعم الله علیک و ترجو له بعد ذلك خیراً فإن  
أسباب النعم برکة حیث ما کانت و إن کان لم یتمد و لا قوة إلا بالله (ابن شعبه حرانی ، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۷۱) .  
و اما حق کسی که خداوند خوشحالی و شادی تو را به دست او قرار داده این است که اگر مقصود او  
شادی تو بوده ، ابتدا سپاس و شکر پروردگار را به جا آوری و سپس در مقابل خوبی کسی که تو را شاد کرده به  
اندازه ای که سزاوار است او را پاداش دهی و در صدد احسان نمودن و جبران خوبی به او در مقابل آغاز احسانش  
باشی ، و اگر مقصود او شادی تو نبوده خداوند را ستایش نموده و شکر کنی و بدانی که از اوست و او مایه شادی  
تو شده است او را به عنوان اینکه یکی از اسباب نعمت خدا برای تو شده دوست بداری و خیر او را بخواهی ، زیرا  
که اسباب نعمت ها برکت است هر جا باشد و اگر چه او قصد نداشته باشد .

پیامبر اکرم (ص) در مورد شادی اخروی می فرمایند : **أَنَّهُ يُفْتَحُ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ  
عُمْرِهِ أَرْبَعٌ وَعِشْرُونَ خِزَانَةً عَدَدَ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَخِزَانَةٌ يَجِدُهَا مَمْلُوءَةً نُورًا وَسُرُورًا فَيُنَالُهَا عِنْدَ مُشَاهَدَتِهَا مِنْ  
الْفَرْحِ وَالسُّرُورِ مَا لَوْ وُرِّعَ عَلَى أَهْلِ النَّارِ لَأَذْهَشَهُمْ عَنِ الْإِحْسَاسِ بِالْمِ النَّارِ وَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي أَطَاعَ فِيهَا رَبَّهُ ثُمَّ يُفْتَحُ  
لَهُ خِزَانَةٌ أُخْرَى فَيَرَاهَا مُظْلِمَةً مُنْتَبَهَةً مُفْرَعَةً فَيُنَالُهَا عِنْدَ مُشَاهَدَتِهَا مِنْ الْفَرْعِ وَالْجَرْعِ مَا لَوْ قَسِمَ عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ لَنُغْصَ  
عَلَيْهِمْ نَعِيمُهَا وَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي عَصَى فِيهَا رَبَّهُ ثُمَّ يُفْتَحُ لَهُ خِزَانَةٌ أُخْرَى فَيَرَاهَا فَارِعَةً لَيْسَ فِيهَا مَا يَسُرُّهُ وَلَا مَا يَسُوؤُهُ  
وَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي نَامَ فِيهَا أَوْ اشْتَغَلَ فِيهَا بِشَيْءٍ مِنْ مَبَاحَاتِ الدُّنْيَا فَيُنَالُهَا مِنَ الْعَبْنِ وَالْأَسْفِ عَلَى فَوَاتِهَا حَيْثُ كَانَ**